

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان

وحید قاسمی*

عطیه یازرلو**

چکیده

مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی نظری و تجربی دو متغیر ناکامی اجتماعی در نقش متغیر مستقل و نوع جرایم بر حسب شدت در نقش متغیر وابسته نگاشته شده است. استان گلستان و مجرمین زندانی در این استان، محدوده‌ی مکانی مطالعه و سال ۱۳۸۲ محدوده‌ی زمانی آن است. استان گلستان دارای اقوام و گویش‌های مختلفی است و به نظر می‌رسد که ناکامی اجتماعی در بین این گروه‌ها متفاوت بوده و همین تفاوت تا حدی بر شدت جرایم در میان آنان اثر داشته است.

جامعه‌ی آماری مشتمل بر ۳۵۰۰ نفر در زندان‌های گنبد و گرگان بوده‌اند که از میان آنان ۳۴۴ نفر به عنوان نمونه و با شیوه‌ی سهمیه‌ای بر حسب چهار بند نظام دادگاه انقلاب دادگستری و نسوان أخذ شده‌اند. در نمونه‌ی مورد مطالعه اکثر افراد به ترتیب در گروه مجرمین با جرایم سبک، متوسط و سنگین قرار داشته‌اند. طیف ناکامی اجتماعی ۱۹ درجه‌ای بوده که میانگین این متغیر برای کل افراد مورد مطالعه برابر ۱۶/۱۰ محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین ناکامی اجتماعی در بین مجرمین با اعمال مجرمانه‌ی سنگین (۱۱/۱۱) به طور قابل توجهی بیشتر از ناکامی در بین مجرمین با جرایم سبک و متوسط (به ترتیب ۸۱/۹ و ۹۷/۹) است. در حالی که میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد متعلق به اقوام و گویش‌های بلوچ و زابلی به طور معناداری بیشتر از سایر گروه‌هاست. میزان جرایم سنگین نیز در بین این افراد بیشتر مشاهده شده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد با جرایم سبک و متوسط جهت خاصی وجود ندارد. نهایی‌ترین نتیجه از مقاله‌ی حاضر این است که متغیر ناکامی اجتماعی در شرایطی که از حد مشخصی بالاتر رود می‌تواند احتمال انجام اعمال مجرمانه‌ی سنگین را افزایش دهد ولی در جرایم با شدت کمتر این متغیر فاقد تأثیر معنادار است.

واژه‌های کلیدی:

ناکامی اجتماعی، گروه‌های قومی، استان گلستان، جرایم

* استادیار دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

در طول تاریخ و ادوار مختلف، انسان‌ها همیشه از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی موجود رنج برده و همواره در جستجوی کشف علل آن بوده‌اند تا بتوانند راه‌ها و شیوه‌های رهایی از آن را بیابند.

هر گونه رفتاری که از انسان سر می‌زند، ناشی از وجود انگیزه‌ها و علل خاصی است که برخورد غیر علمی با آن می‌تواند از طرفی شخصیت فرد را مورد تهدید یا تخریب قرار دهد و اثرات زیانباری بر زندگی فردی و اجتماعی ام در حال و آینده به همراه داشته باشد.

انسان موجودی است اجتماعی و از عوامل متعددی که در محیط اطراف او وجود دارد تأثیر می‌پذیرد و متقابلاً بر آن‌ها اثر می‌گذارد. انسان با زندگی در اجتماع مجبور به پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای موجود در آن است و در این میان برخی از انسان‌ها این ارزش‌ها و هنجارها را نادیده گرفته و نتوانسته‌اند خود را با این موازین تطبیق دهند که با تخطی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی باعث شکل‌گیری پدیده‌ای به نام جرم می‌شوند. سهم مهمی از این ناهماهنگی و ناسازگاری می‌تواند از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و... ناشی شده باشد.

اکثر جوامع امروزی از گروه‌های قومی گوناگون و متعددی تشکیل شده‌اند. این گوناگونی ممکن است در نوع و نحوه ارتکاب جرایم هر یک از اقوام مختلف تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این تفاوت در نوع جرایم تا حد زیادی می‌تواند به مهاجر یا غیر مهاجر بودن اقوام و همچنین میزان کامیابی در دستیابی به اهداف تعریف شده برای زندگی از طرف آنان مربوط شود. انتظار می‌رود که برخی از گروه‌های قومی در یک منطقه در مقایسه با سایر اقوام از میزان ناکامی اجتماعی بیشتری برخوردار بوده باشند و لذا در اعمال مجرمانه صورت گرفته از طرف آنان، شدت بیشتری به لحاظ سنگینی جرایم مشاهده شود.

در مقاله‌ی حاضر سعی نویسندگان بر آن است تا ضمن ارائه‌ی تصویری از استان گلستان، گروه‌های قومی ساکن در آن و همچنین توصیفی از انواع جرایم به وقوع پیوسته در این استان، اثرپذیری نوع جرم از ناکامی اجتماعی نیز نشان داده شود. داده‌های تجربی مقاله‌ی حاضر بر گرفته از پژوهشی است که با عنوان «بررسی علل

جامعه شناختی مؤثر بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان» در زمستان ۱۳۸۲ به انجام رسیده است.

طرح مسأله

استان گلستان یکی از استان‌های بزرگ و پرجمعیت کشور است که گروه‌های قومی مختلفی در آن ساکن هستند. برخی از این گروه‌های قومی بومی منطقه (فارس و ترکمن) محسوب شده، برخی دیگر نیز از مهاجران وارد شده به استان از سایر استان‌های کشور به ویژه سیستان و بلوچستان و آذربایجان (بلوچ، زابلی و ترک) می‌باشند. مسئولین قضایی استان گلستان بر این امر تأکید دارند که طی سال‌های اخیر و از جمله مقایسه‌ی آمار مربوط به میزان جرایم در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ میزان جرایم روند صعودی قابل توجهی داشته است. هرچند بنا به ملاحظات امنیتی، مسئولان از ارائه‌ی آمار دقیق و ارقام خودداری می‌روند اما بر افزایش میزان جرایم به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی تأکید دارند. از طرف دیگر اطلاعات شفاهی موجود نشان می‌دهد که میزان جرایم در میان گروه‌های قومی ساکن در استان گلستان، متفاوت است بلکه نوع جرایم به لحاظ شدت جرم و لذا شدت احکام صادره دارای تفاوت‌های قابل توجهی است.

تیین روند صعودی میزان جرایم و همچنین تفاوت در انواع اعمال مجرمانه با استفاده از متغیرهای مختلف فردی و اجتماعی امکان‌پذیر است. با این حال به نظر می‌رسد یکی از مهمترین عواملی که در این میان مؤثر است تفاوت گروه‌های قومی ساکن به لحاظ میزان کامیابی اجتماعی است. دستیابی به منابع مخالف نظیر دانش و ثروت که می‌توان از آن‌ها در مبادلات اجتماعی بهره گرفت در یک نگاه ابتدایی می‌تواند به عنوان کامیابی اجتماعی تلقی شود. گروه‌های قومی مورد مطالعه به این لحاظ با یکدیگر دارای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هستند.

تبیین نظری

در تبیین جرم از طرف دانشمندان علوم مختلف بر عوامل متفاوتی تأکید شده است. با این حال تبیین فیزیولوژیک و روانشناختی از یک سو و تبیین جامعه‌شناختی از سوی دیگر همواره به عنوان دو رویکرد مهم در تشخیص عوامل مؤثر بر انجام اعمال مجرمانه بوده است.

برخی از اندیشمندان از جمله لومبروزو، شلدون، گلونگ و هانس آیزنگ بر عوامل فیزیولوژیک و روانشناختی نظیر ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی)، شرایط نامساعد زندگی (رژیم غذایی نامساعد، کار بدنی زیاد، آمادگی جسمانی)، ویژگی‌های ژنتیک (آرواره‌های بلند، چانه و گوش‌های پهن، استخوان‌های قد بلند) فقر عاطفی در دوران کودکی و ... تأکید دارند. در مقابل برخی نظیر دورکریم، کوهن، مرتون، والتر میلر، ریچارد کلوراد، لویدا و هلین و ریچارد کوئین بر علل جامعه‌شناختی نظیر ضعف همبستگی اجتماعی، اختلال در نظام اجتماعی، عدم تعادل بین اهداف و ابزار تعریف شده برای دستیابی به آن‌ها، واکنش به تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی، محرومیت فرهنگی (عدم دستیابی به منزلت اجتماعی، عدم موفقیت در ادامه تحصیل)، خودنمایی مبالغه‌آمیز ناشی از خرده فرهنگ طبقه‌ی پایین اجتماعی، فقدان فرصت‌های قانونی برای کامیابی اجتماعی و دستیابی برگزیدگان قدرت به منابع با ارزش در برابر محرومیت طبقه‌ی پایین تأکید می‌ورزند.^(۱)

تام کنور^(۲) جرم‌شناس آمریکایی (۲۰۰۳) نظریه‌های تبیین عمل مجرمانه را در سیزده گروه به شرح جدول شماره‌ی (۱) طبقه‌بندی کرده است. از نظری وی سه جریان اصلی در بین تئوری‌های جرم شامل نظریه‌ی فشارهای ناشی از ناکامی^(۳)، نظریه‌ی یادگیری^(۴) و نظریه‌ی نظارت^(۵) است.

جدول شماره‌ی ۱. خلاصه‌ی نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی اعمال مجرمانه از نظر تام اوکنور

ردیف	نظریه	علت عمل مجرمانه	راه‌کار
۱	زیست شناختی	وراثت، نارسایی ویتامین، آلرژی، تومور، آسیب مغزی، عدم تعادل هورمونی	انزوا و جدایی، درمان
۲	روانشناختی	هوش پایین، فشار روانی (استرس) بیماری روانی	درمان، مشاوره
۳	بوم‌شناختی	وجود احساس گمنامی در انبوه جمعیت، روابط ظاهری و سطحی، بی‌سازمانی در همسایگی	قدرت بخشی به اجتماع
۴	ناکامی	موانع دستیابی به اهداف با ارزش اجتماعی	افزایش فرصت‌ها
۵	یادگیری	تقلید، وجود عوامل تقویت‌کننده‌ی مثبت برای اعمال مجرمانه	تقویت‌کننده‌های اثربخش‌تر منفی، افزایش تقویت‌کننده‌های مثبت برای هنجارها
۶	نظارت	ضعف اجتماعی شدن، ضعف خود کنترلی	بهبود در پرورش فرزندان، افزایش دلبستگی و تعلقات اجتماعی
۷	برچسب زنی	قواعدی که دیگران درباره‌ی مجرم به کار می‌برند	تغییر نگرش و قواعد اجتماعی نسبت به مجرمان
۸	تضاد	رقابت، توزیع نابرابر قدرت	افزایش برابری
۹	رادیکال	نبرد طبقاتی، سرمایه‌داری	سوسیالیسم
۱۰	رتالیسم چپ	روابط خصمانه	افزایش اثربخشی نیروهای پلیس
۱۱	صلح طلبی	رنج و آسیب آشفتگی درونی	بازجویی روحی
۱۲	فمینیسم	نابرابری جنسی، پدرسالاری	از بین بردن تبعیض جنسی
۱۳	پست مدرنیسم	حقوق ویژه و مصونیت سلسله مراتبی	افزایش نظارت اجتماعی غیررسمی

به لحاظ تاریخی ریشه‌ی تئوری فشار ناشی از ناکامی به تئوری آنومی دورکیم بازگشت می‌کند. دورکیم استدلال می‌کند که نیروهای اجتماعی عامل جرم‌زایی هستند. برای دورکیم آنومی نتیجه‌ی بی‌نظمی ناگهانی، بحران یا تغییر سریع است. در چنین

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان ۱۱۲

شرایطی جامعه در عمل به یک وضعیت مسلط انتظام دهنده بر رفتارها و انتظارات ناکام می‌ماند، ناکامی ساختاری.^(۱)

محدودیت‌ها میان ممکن و ناممکن ناشناخته‌اند. این که چه چیز عدالت است و چه چیز بی‌عدالتی هیچ محدودیتی در آرزوها و امیال وجود ندارد. امیال (خواست‌های مادی) به وسیله‌ی افکار عمومی کنترل نمی‌شوند و مسیر نادرست را می‌پیمایند و هر چه بیشتر از کنترل خارج می‌شوند. شرایط آنومی نتیجه‌ای از هیجانات بی‌نظم و افسار گسیخته است، دقیقاً هنگامی که جامعه نیازمند نظم است.^(۷)

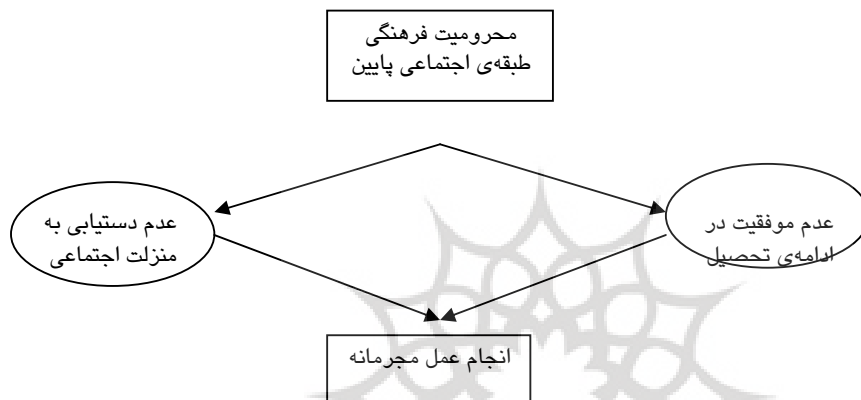
تئوری ابزار- هدف انحراف از روبرت مرتون (۱۹۳۸) نیز در گروه تئوری‌های مرتبط با احساس ناکامی و فشار طبقه‌بندی می‌شود. «بر اساس دیدگاه مرتون جرم هنگامی پدید که فاصله‌ای میان آرزوهای تعریف شده‌ی فرهنگی برای موفقیت‌های اقتصادی با امکانات توزیع شده‌ی ساختاری برای پیشرفت به وجود می‌آید. این نظریه می‌کوشد که توضیح دهد چرا جرم به ویژه در میان طبقات پایین متمرکز شده است. طبقه‌ای که دارای حداقل فرصت‌های قانونی برای پیشرفت است»^(۸) به عنوان مثال بدعت گران به عنوان یکی از گروه‌های مجرم در تلاشند تا با استفاده از ابزارها و شیوه‌های غیرقانونی و پذیرفته نشده به عنوان هنجار به خواسته‌ها و آرزوهای خود برسند. خواسته‌ها و آرزوهایی که جامعه نیز آن‌ها را تأیید می‌کند.

نظریه‌ی کوهن نیز بر این اساس است که ناکامی و سرخوردگی از موقعیت طبقاتی منجر به شکل‌گیری خرده فرهنگی می‌شود که ویژگی‌های آن بدخواهی^(۹) (تمایل به آسیب رساندن به دیگران)، عدم اصالت مطلوبیت^(۱۰) و منفی بافی یا منفی‌گرایی^(۱۱) است.^(۱۲)

آلبرت کوهن در بحث خود پیرامون «محرومیت فرهنگی. خرده فرهنگ بزهکاری» بیان می‌کند که پسران طبقه‌ی پایین کارگری به دلیل این که راه‌های موفقیت برای آنان مسدود می‌باشد از پایین بودن پایگاه و منزلت اجتماعی خود رنج می‌برند و به فرهنگ فرعی بزهکاری روی می‌آورند. بدین صورت که آن‌ها هنجارهای خود را از فرهنگ کلی جمعیت دریافت می‌کنند اما آن‌ها را در خلاف جهت تغییر می‌دهند. به همین دلیل است که آنان برای اعمالی مانند ویرانگری، سرقت، ولگردی و سایر اعمال که در کل جامعه محکوم است، ارزش والایی قائل می‌شوند.^(۱۳)

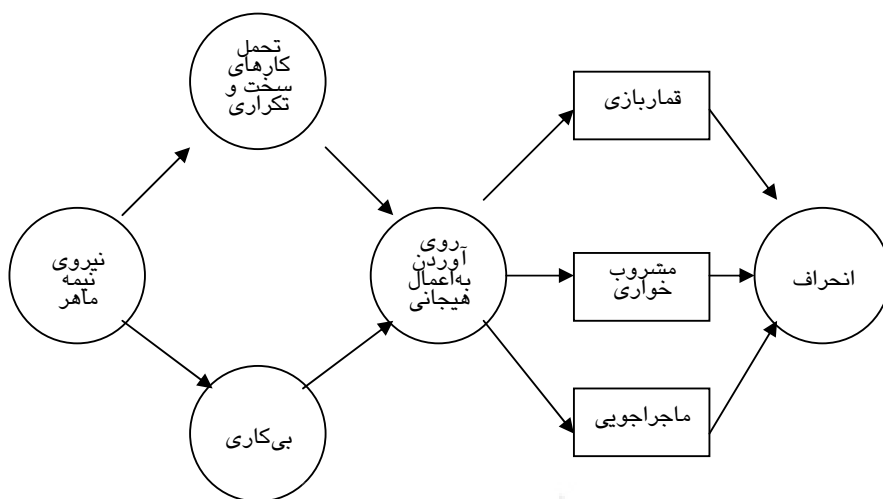
ناکامی یا فشار برای کوهن نه به عنوان یک ساختار بلکه به عنوان پدیده‌ای که در روابط بین شخصی در سطح تعامل گروهی رخ می‌دهد مورد توجه است. بازندگان در رقابت‌ها، احساس سرخوردگی و ناکامی یا محرومیت را تجربه می‌کنند. اغلب این بازندگان، شرایط پدیده آمده را به عنوان سرنوشت می‌پذیرند اما تعداد قابل توجهی از آنان نیز به سوی اعمال مجرمانه حرکت می‌کنند.^(۱۴)

شکل شماره ۱. تئوری محرومیت فرهنگی و خرده فرهنگ بزهکاری



والتر میلر نیز در تحلیلی که از بزهکاری به دست می‌دهد، بزهکاری را یک نوع خودنمایی مبالغه آمیز می‌داند که ناشی از خرده فرهنگ طبقه‌ی پایین اجتماعی است و این مسأله را تا حدی به علت نیاز جامعه به نیروی نیمه ماهر مرتبط می‌داند. کارگران نیمه ماهر یا باید بی‌کاری را تحمل کنند یا باید به کارهای سخت و تکراری و خسته کننده تن دهند. خرده فرهنگ طبقه‌ی پایین راه‌هایی را در پیش می‌گیرد که افراد طبقه‌ی پایین اجتماعی با این وضعیت بتوانند زندگی کنند.^(۱۵)

شکل شماره ۲. روند گرایش افراد طبقه پایین اجتماعی به سوی انحراف از نظر میسر



ریچارد کلوارد^(۱۶) ولوید اوهلین^(۱۷) در اثر خود به نام «بزهکاری و فرصت» نظریات مرتون و کوهن را در هم آمیخته و بسط می‌دهند. کلوارد و اوهلین معتقدند که مرتون تنها یک روی سکه را دیده است. زیرا وی انحراف را بر حسب ساختار فرصت قانونی تبیین کرده اما ساختار فرصت غیر قانونی را مورد ملاحظه قرار نداده است. از این رو همان طور که فرصت‌های موفقیت از طریق متفاوتند فرصت موفقیت از راه‌های غیرقانونی هم با یکدیگر فرق می‌کند.^(۱۸)

این دو، فرضیه خود را در این جمله خلاصه می‌کنند: «ناهمنگی بین آنچه به عنوان خواسته‌ی جامعه، جوانان را به سوی آن هدایت می‌کند و آنچه عملاً در دسترس آن‌هاست منشأ اصلی ناکامی است.»^(۱۹)

کلوارد و اوهلین معتقدند که در جامعه همواره به اعضای طبقه‌ی کارگر فشار وارد می‌شود و وارد آمدن این فشار باعث می‌شود تا آن‌ها بیشتر در معرض انحراف

قرار گیرند. چرا که آن‌ها برای رسیدن به موفقیت آن هم از طریق راه‌های قانونی، فرصت کمتری در اختیار دارند. از نظر آن‌ها، برخی از نوجوانان طبقه‌ی پایین اجتماعی، نوعی خرده‌فرهنگ انزواطلب را به وجود می‌آورد و آن هم از طریق مصرف غیر قانونی مواد مخدر ایجاد می‌شود چرا که آن‌ها نتوانسته‌اند از طریق راه‌های قانونی و غیر قانونی به موفقیت دست پیدا کنند و از دو طرف دچار شکست و ناکامی شده‌اند. بدین ترتیب به عنوان بزهکار یا تبهکار ناموفق، انزوا طلبی را پیشه می‌کنند.

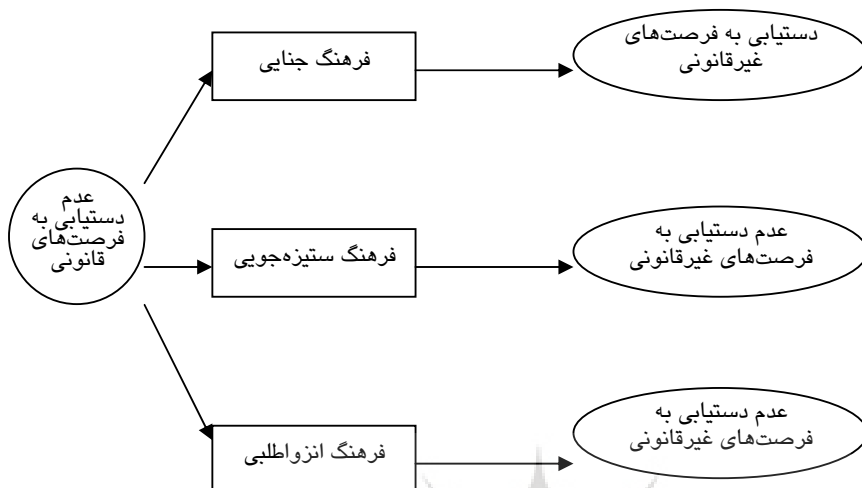
از نظر ایشان بسیاری از افراد خواستار دستیابی به شیوه‌ی زندگی طبقه‌ی متوسطند اما تعداد زیادی نیز به طور ساده خواهان پول بیشترند بدون آنکه بهبودی در شیوه‌ی زندگی خود ایجاد کنند یا عضویت طبقاتی خویش را در حال حاضر تغییر دهند. این گروه برای انجام عمل مجرمانه یا انحرافی تحت بیشترین فشار هستند؛ زیرا خواسته‌ی آنان دستیابی سریع به پول و نیاز به مصرف تجملی و نمایشی است.^(۲۰)

تأکید اصلی تئوری نظام متفاوت فرصت‌ها، متغیرهای مداخله‌گری است که بر اشکال خاصی از جنایت و انحراف تأثیر گذاشتند. کلوارد در ابتدا نشان داده است که چگونه موانع دستیابی به فرصت‌های قانونی به اندازه‌ی موانع فرصت‌های غیر قانونی باید در تبیین بزهکاری و انواع آن مورد توجه قرار گیرند. یک فرصت غیر قانونی به طور ساده شانس موفقیت از طریق اعمال مجرمانه یا انحرافی است. این باورها، تشکیل دهنده‌ی متغیرهای مداخله‌گر در تئوری کلوارد و اوهلین هستند.

کلوارد و اوهلین بر اساس دو جهت‌گیری متفاوت در میان افراد مجرم (اول جهت‌گیری به سمت دستیابی به ثروت و دوم جهت‌گیری به سمت ارتقای طبقاتی) چهار نوع یا تیپ متفاوت را در بین مجرمان تشخیص داده‌اند.^(۲۱)

تیپ‌ها	جهت‌گیری به سمت ارتقای طبقاتی	جهت‌گیری به سمت دستیابی به پول یا ثروت
تیپ ۱	+	+
تیپ ۲	+	-
تیپ ۳	-	+
تیپ ۴	-	-

شکل شماره ۳. تبیین اعمال مجرمانه توسط کلوارد و اوهلین

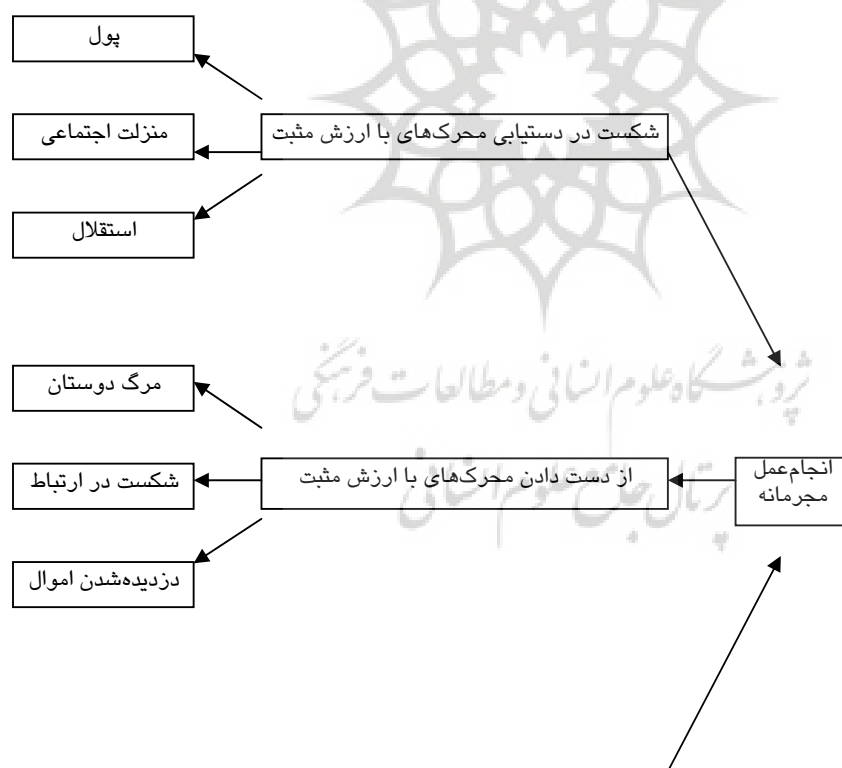


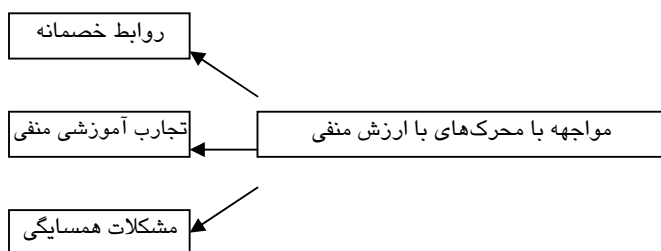
یکی دیگر از جرم‌شناسانی که موضوع فشارهای ناشی از ناکامی بر رفتارهای مجرمانه است، روبرت اگنیو^(۲۲) نام دارد. هر چند دیدگاه‌های اولیه‌ی وی در تئوری ناکامی بر رفتارهای مجرمانه در طبقه‌ی پایین تأکید دارد، اگنیو^(۲۳) بر این نوع از اعمال در بین طبقه‌ی متوسط و بالا نیز تأکید می‌کند. وی در تئوری خود علاوه بر موقعیت فرد در قشربندی اجتماعی، به انتظارات او از آینده و ارتباط با افراد مجرم نیز توجه کرده و اهمیت قائل می‌شود. تئوری اگنیو بر اساس این ایده‌ی عمومی است که وقتی مردم در شرایط بدی قرار می‌گیرند، ممکن است درهم شکنند و به عمل مجرمانه روی آورند.

از نظر وی محرک‌های با ارزش مثبت در گذشته تجربه یا مشاهده شده‌اند، اهداف را شکل می‌دهند و محرمت از آن‌ها به رنجش (بیزاری)، نفرت، عدم رضایت و ناکامی و از دست رفتن شادی می‌انجامد که همه احساساتی مرتبط با پدیده‌ی فشار در جرم‌شناسی هستند.^(۲۴) وی سه نوع فشار ناشی از ناکامی را طرح می‌کند:

اول، شکست در دستیابی به محرک‌های با ارزش اگنیو توضیح می‌دهد که سه نوع هدف متفاوت وجود دارد که اعضای جامعه سعی در به دست آوردن آن دارند. نخست پول، پول وسیله‌ای برای وارد شدن فشار است، هنگامی که فرد از راه‌های قانونی در به دست آوردن آن ناکام است. اگنیو نشان می‌دهد که فشار ناشی از ناکامی در دسترسی به پول با عمل مجرمانه در اندازه‌ی محدودی ارتباط دارد. مطالعه‌ی اگنیو^(۳۵) نشان می‌دهد که بزهکاران آرزوی دستیابی به مقادیر زیادی پول را داشته‌اند و در رسیدن به آن آرزو ناکام مانده‌اند. دوّمین محرک با ارزش مثبت پایگاه و احترام اجتماعی است. این موضوع به ویژه برای نقش‌های مردانه با اهمیت‌تر است. استقلال یا قدرت کنترل خود نیز سومین هدف یا محرک با ارزش مثبت در جامعه است. در این حالت خواهان به دست آوردن و بهبود وضعیت استقلال خود است و محرمیت از آن می‌تواند فرد را به سمت اعمال مجرمانه سوق دهد.

شکل شماره‌ی ۴. تبیین اعمال مجرمانه از طرف روبرت اگنیو





دوم، از دست دادن محرک‌های با ارزش مثبت. این موضوع می‌تواند به مرگ یا شکست در ارتباط با یک دوست یا شریک یا دزدیده شدن یک شیء با ارزش مربوط می‌شود. (۲۶)

سوم، مواجهه با محرک‌های با ارزش منفی. در این مورد می‌توان به وجود روابط خصمانه با والدین یا معلمان، داشتن تجارب آموزشی منفی یا ناموفق، وجود روابط خصمانه با هم سن و سالان، بی‌خانمانی، مشکلات یا مسائل مرتبط با همسایه‌ها، سوء استفاده جنسی در دوران کودکی و مانند آن اشاره کرد.

روش‌شناسی

الف- جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در تحقیق حاضر شامل زندانیانی است که در زمان تحقیق (زمستان ۱۳۸۲) در زندان‌های گنبد و گرگان به سر می‌برده‌اند. این جمعیت اعم از مرد و زن بالغ بر ۳۵۰۰ نفر می‌باشد. حدود ۲۰۰۰ نفر از این جمعیت در زندان گنبد (۱۵۰ نفر زن و ۱۸۵۰ نفر مرد) و ۱۵۰۰ نفر در زندان گرگان می‌باشند. از ۱۵۰۰ نفر زندانیان گرگان، ۵۰ نفر زن و ۱۴۵۰ نفر مرد می‌باشند. در این تحقیق جمعیت ذکر شده مبنای مطالعه و نمونه‌گیری بوده است.

ب- حجم نمونه

از جامعه‌ی آماری ۳۵۰۰ نفری تعداد ۳۴۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. مراحل محاسبه‌ی حجم نمونه آماری که با استفاده از فرمول کوکران انجام گرفته به شرح ذیل است:

- ۱- ابتدا پرسشنامه بین ۳۰ نفر از افراد جامعه‌ی آماری توزیع و تکمیل شد.
- ۲- پس از استخراج داده‌ها، افراد مورد مطالعه برحسب شدت ناکامی اجتماعی در دو گروه (افراد با ناکامی اجتماعی کم و بیش بالا و افراد با ناکامی اجتماعی کم و بیش پایین) طبقه‌بندی شدند.
- ۳- نسبت افراد با ناکامی اجتماعی پایین به عنوان p (۰/۴۷) و نسبت افراد با ناکامی اجتماعی بالا با عنوان Q (۰/۵۳) در فرمول جایگزین گردید.
- ۴- براساس سطح اطمینان ۹۵٪ و فاصله‌ی اطمینان ۵٪ حجم نمونه برابر با ۳۴۴ نفر محاسبه گردید.

ج- شیوه‌ی نمونه‌گیری

با توجه به در میان بودن مسائل امنیتی، آماری که در اختیار گروه تحقیق قرار داده شد، تقریبی است. بنابراین با توجه به شرایط موجود، جهت نمونه‌گیری از جامعه‌ی آماری مورد نظر، از روش سهمیه‌ای استفاده شد. مراحل نمونه‌گیری به این شرح بوده است. زندانیان حاضر در زندان‌های گنبد و گرگان در چهار بند شامل بند نظام، بند داده انقلاب بند دادگستری و بند نسوان تقسیم و نگهداری می‌شوند. به نسبت تعداد جمعیت زندانیان هر بند، سهمیه‌ای^(۳۷) برای آنان در نظر گرفته شد.

جدول شماره‌ی ۲. توزیع نمونه اختصاص داده شده به هر یک از بندها

براساس سهم تقریبی آنان از جامعه‌ی آماری

بند	تعداد تقریبی زندانی	درصد تقریبی زندانی	سهمیه بند از کل نمونه
نسوان	۲۲۵	۱۵٪	۵۲
دادگستری	۱۶۴۵	۴۷٪	۱۶۲

انقلاب	۱۱۲۰	۳۲٪	۱۱۱
نظام	۲۱۰	۶٪	۱۹
جمع	۳۵۰۰	۱۰۰	۳۴۴

د- ابزار جمع‌آوری داده‌ها و روایی و پایانی آن

ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. سنجش پایانی پرسشنامه در دو مرحله‌ی صورت گرفت. در مرحله‌ی نخست پرسشنامه به هشت نفر از زندانیان که به صورت اتفاقی انتخاب شده بودند قرار داده شد تا ایرادات اولیه‌ی آن مشخص گردد. پس از انجام برخی اصلاحات و در مرحله‌ی دوم که هفت روز بعد اجرا شد، تعداد سی عدد پرسشنامه بین زندانیان زن و مرد زندانی در زندان‌های گرگان و گنبد توزیع گردید. این تعداد از زندانیان با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و براساس نوع جرم ارتكابی انتخاب شده بودند. پس از جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز و با استفاده از روش دو نیمه کردن، ضریب اسپیرمن براون برای مجموعه سؤالاتی که برای سنجش متغیر ناکامی اجتماعی طرح گردیده بود. برابر با ۰/۶۷ محاسبه گردید که به لحاظ علمی تا حد زیادی قابل قبول به نظر می‌رسد. همچنین پرسشنامه را برخی از کارشناسان آسیب‌های اجتماعی مورد تأیید قرار دادند که به عنوان روایی صوری پرسشنامه تلقی شد.

توصیف یافته‌ها

الف- تعلق قومی

اکثر نمونه‌ی مورد مطالعه به اقوام فارس و زابلی تعلق داشته است و در مرتبه‌ی بعد اقوام بلوچ، گیلک، ترکمن و ترک قرار دارند. نمونه‌های متعلق به قوم شاهرودی در اقلیت هستند. لازم به ذکر است که با توجه به این که توزیع زندانیان برحسب تعلق قومی نامشخص بوده است، امکان اختصاص سهمیه براساس این متغیر وجود نداشته است.

جدول شماره‌ی ۳. توزیع فراوانی مطلق و نسبی پاسخگویان بر حسب نوع قومیت

قومیت	تعداد	درصد
ترکمن	۴۱	۱۱/۹
ترک	۳۳	۹/۶
فارس	۸۱	۲۳/۵
شاهرودی	۱۳	۲۳/۵
بلوچ	۴۴	۱۲/۸
زابلی	۷۵	۲۱/۸
گیلک	۴۲	۱۲/۲
سایر موارد	۱۳	۳/۸
بدون پاسخ	۲	۰/۶
مجموع	۳۴۴	۱۰۰

ب- نوع جرم

جرایم قاچاق با خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و صدور چک بلامحل در مجموع بیش از نیمی از جرایم ارتكابی در نمونه مورد مطالعه را شامل می‌شود. در مرتبه‌ی بعد جرایمی نظیر نزاع و درگیری، فرار از خدمت، تصادف، روابط نامشروع و اعتیاد قرار دارد که هرکدام بین ۳ تا ۹ درصد از جرایم ارتكابی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره‌ی ۴. گروه‌بندی جرایم

گروه	نوع جرم ^(۲۸)
جرایم سبک	ضمنانت چک، اعتیاد، توصیف غیرقانونی، ترک انفاق، فرار از خدمت، اخلال در نظم دادگاه، تصادف، دعوای خانوادگی، روابط نامشروع، مهریه، تعرض به منابع طبیعی، فرار از خانه
جرایم متوسط	سرقت، جعل اسناد و مدارک، جعل عنوان مأمور، صدور چک بلامحل، نزاع و درگیری، اسیدپاشی، خرید و فروش مشروبات الکلی، کلاهبرداری، خرید اموال

	مسروقه، مشارکت در نزاع
جرایم سنگین	قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر، آدم‌ربایی، قتل، مشارکت در قتل، راهزنی

گروه‌بندی جرایم ارتكابی در نمونه‌ی مورد مطالعه در سه گروه سبک، متوسط و سنگین نشان می‌دهد که با سنگین‌تر شدن جرایم از فراوانی ارتكاب آن کاسته شده است به نحوی که جرایم سبک با ۴۶/۶ دارای بیشترین فراوانی و جرایم سنگین با ۲۱/۲ دارای کمترین فراوانی است. یک سوم از جرایم ارتكابی نیز در گروه جرایم متوسط قرار گرفته‌اند. در جداول شماره‌ی (۳) تا (۵) اطلاعات دقیق‌تری در این باره ارائه شده‌است.

جدول شماره‌ی ۵. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه‌ی برحسب حکم صادر شده

درصد	تعداد	حکم صادر شده
۴۵/۳۲	۱۵۵	سبک
۳۳/۳۳	۱۱۴	متوسط
۲۱/۳۴	۷۳	سنگین
۱۰۰	۳۴۲	مجموع

جدول شماره‌ی ۶. توزیع فراوانی نمونه‌ی مورد مطالعه برحسب نوع جرایم ارتكابی به ترتیب نزولی

درصد	تعداد	نوع جرم ارتكابی
۲۹/۱	۱۰۰	قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر
۱۷/۴	۶۵	سرقت
۹/۶	۳۳	صدور چک ملامحل
۸/۴	۲۹	نزاع و درگیری
۵/۵	۱۹	فرار از خدمت
۴/۹	۱۷	تصادف
۳/۵	۱۲	روابط نامشروع
۳/۲	۱۱	اعتیاد

۲/۹	۱۰	عدم پرداخت مهریه
۲/۶	۹	قتل
۱/۷۴	۶	آدم‌ربایی
۱/۵	۵	مشارکت در قتل
۱/۵	۵	خرید و فروش مشروبات الکی
۱/۲	۴	درگیری خانوادگی
۱/۲	۴	ضمانت چک
۰/۹	۳	کلاهبرداری
۰/۶	۲	جعل اسناد و مدارک
۰/۳	۱	جل عنوان مأمور
۰/۳	۱	ترک انفاق
۰/۳	۱	اخلال در نظم دادگاه
۰/۳۳	۱	اسیدپاشی
۰/۳	۱	تعرض به منابع طبیعی
۰/۳	۱	خرید مال مسروقه
۰/۳	۱	راهزنی
۰/۳	۱	مشارکت در نزاع
۰/۶	۱	بی‌پاسخ
۱۰۰	۳۴۴	مجموع

تحلیل استنباطی

الف- تعلق قومی و نوع جرایم

در رابطه با ارتکاب جرایم سبک، برخی تفاوت‌ها بین اقوام مشاهده می‌شود. در بین اقوام بلوچ کمترین درصد مربوط به جرایم سبک است به نحوی که تقریباً از هر پنج عمل مجرمانه توسط افراد متعلق به این قوم، تنها یک مورد در گروه جرایم سبک طبقه‌بندی شده است. قوم زابلی به این لحاظ در مرتبه‌ی دوم قرار دارند به نحوی که تقریباً از هر سه مورد عمل مجرمانه، یک مورد جرم سبک بوده است. در بین اقوام ترک، فارس و شاهرودی بیش از نیمی از اعمال مجرمانه سبک بوده است.

جدول شماره ۷. توزیع نمونه‌ی مورد مطالعه برحسب نوع جرم به تفکیک قومیت

جمع	جرایم سبک	جرایم متوسط	جرایم سنگین	نوع جرم / قومیت
۴۱	۱۹ ٪۴۶/۳	۱۴ ٪۳۴/۱	۸ ٪۱۹/۵	ترکمن
۳۳	۲۰ ٪۶۰/۶	۹ ٪۲۷/۳	۴ ٪۱۲/۱	ترک
۸۱	۴۴ ٪۵۴/۳	۲۱ ٪۲۵/۹	۱۶ ٪۱۹/۸	فارس
۱۳	۷ ٪۵۳/۸	۵ ٪۳۸/۵	۱ ٪۷/۷	شاهرودی
۴۴	۹ ٪۲۰/۵	۱۹ ٪۴۳/۲	۱۶ ٪۳۶/۴	بلوچ
۷۵	۲۶ ٪۳۴/۷	۲۹ ٪۳۸/۷	۲۰ ٪۲۶/۷	زابلی
۴۲	۱۹ ٪۴۵/۲	۱۵ ٪۳۵/۷	۸ ٪۱۹/۱	گیلک
۳۲۹	۱۴۴	۱۱۲	۷۳	مجموع
Chi-Square = 22.84	D.F = 12	Cramer's V=0.186	Sig= 0.029	

در مورد ارتکاب جرایم سنگین، آمار مجرمین اقوام بلوچ و زابلی بیشتر از اقوام ترکمن، ترک، فارس، شاهرودی و سایر اقوام ساکن در استان گلستان است. در حدود یک سوم از اعمال مجرمانه در بین افراد متعلق به اقوام بلوچ و یک چهارم از اعمال مجرمانه در بین افراد متعلق به اقوام زابلی از نوع اعمال مجرمانه سنگین بوده است. براساس محاسبات انجام شده می‌توان اظهار کرد که با اطمینان حداقل ۹۵ درصد رابطه‌ی معنی‌داری بین نوع جرایم ارتكابی و نوع قومیت وجود دارد و تفاوت‌های مشاهده شده تصادفی و صرفاً ناشی از خطای نمونه‌گیری تلقی نمی‌شود. به نحوی که حداکثر میزان جرایم و به ویژه جرایم سنگین در میان گروه قومی سیستان و

بلوچستان (بلوچ و زابلی) و حداقل میزان جرایم در میان گروه قومی آذری مشاهده شده است. با این حال با توجه به ضریب کرامر محاسبه شده، شدت پیوستگی این دو متغیر به لحاظ آماری متوسط یا متوسط پایین ارزیابی می‌شود.

ب- ناکامی اجتماعی و نوع جرم

طیف سنجش متغیر نامکامی اجتماعی براساس نه معرف تعریف شده است. نحوه‌ی امتیازدهی به نحوی بوده است که حداقل نمره‌ی ناکامی اجتماعی ممکن است برابر صفر و حداکثر آن برابر با ۱۹ با حد متوسط ۹/۵ بوده است. معرف‌ها و شیوه‌ی امتیازدهی در جدول شماره‌ی (۱۰) خلاصه شده است.

محاسبات انجام شده (میانگین رتبه از ۳۴۲^(۳۹) و میانگین حسابی از ۱۹ و مقایسه میانگین گروه‌های مختلف) در باطه با متغیر ناکامی اجتماعی نشان می‌دهد که میانگین ناکامی اجتماعی بین دو گروه زندانیانی که جرایم سبک و متوسط انجام داده‌اند، به لحاظ آماری فاقد تفاوت معنادار است. این در حالی است که میانگین ناکامی اجتماعی در بین زندانیانی که نوع جرایم آنان در گروه سنگین طبقه‌بندی شده است. به طور معناداری بیشتر از میانگین ناکامی اجتماعی در بین زندانیانی است که نوع جرم آنان سبک یا متوسط می‌باشد. در وهله‌ی اول می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هرچه ناکامی اجتماعی فرد مجرم بیشتر باشد احتمال دست زدن آنان به اعمال مجرمانه سنگین‌تر افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی ۸. مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی افراد مورد مطالعه برحسب نوع جرم (آزمون کروسکال والیس)

نوع جرم	میانگین حسابی از ۱۹	میانگین رتبه	تعداد
سبک	۹/۸۱	۱۵۷/۷۰	۱۵۵
متوسط	۹/۹۷	۱۶۴/۲۷	۱۱۴

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان ۱۲۶

۷۳	۲۱۲/۶۸	۱۱/۱۱	سنگین
۳۴۲	-	۱۰/۱۶	کل
Chi-Square = 17.066		Sig = 0.000	

جدول شماره‌ی مقایسه‌ی دو به دوی میانگین ناکامی اجتماعی برای سه گروه زندانیان با جرایم سبک، متوسط و سنگین (آزمون من-ویتنی)

سنگین	متوسط	سبک	نوع جرم	میانگین	
				رتبه	حسابی
Z = 3.960 P = 0.000	Z = 0.550 P = 0.582	-	سبک	۱۵۷/۷۰	۹/۸۱
Z = 3.350 P = 0.001	-	Z = 0.550 P = 0.582	متوسط	۱۶۴/۲۷	۹/۹۷
	Z = 3.350 P = 0.001	Z = 3.960 P = 0.000	سنگین	۲۱۲/۶۸	۱۱/۱۱

همچنین مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی با حد متوسط طیف تعریف شده برای ناکامی با میانگین ۹/۵ در بین سه گروه زندانیان با شدت اعمال مجرمانه متفاوت نشان می‌دهد که برای دست زدن به اعمال مجرمانه‌ی سبک، ناکامی اجتماعی می‌تواند چندان مؤثر نباشد. میانگین ناکامی اجتماعی در این گروه با حد وسط طیف فاقد تفاوت معنادار است در حالی که این متغیر در رابطه با اعمال مجرمانه‌ی سنگین می‌تواند قدرت تبیین‌کنندگی بالایی داشته باشد (میانگین ناکامی اجتماعی در این گروه به طور معناداری بیشتر از حد وسط طیف تعریف شده است).

جدول شماره‌ی ۱۰. کدگذاری و امتیازدهی به سؤالات مربوط به متغیر ناکامی اجتماعی

امتیاز بیشتر = ناکامی بیشتر

متغیر	مقوله‌ها	کد	امتیاز
وضعیت تأهل	مجرد	۱	۰/۵

۱	۲	بدون همسر بر اثر فوت		
۲	۳	بدون همسر بر اثر طلاق		
۰	۴	دارای همسر		
۰	۱	بلی		
۱	۲	خیر	شاغل بودن	
۰	۱	کشاورزی	نوع شغل	
۰/۵	۲	کارگر ساده		
۰	۳	صنعت و معدن		
۰	۴	ساختمان		
۰	۵	خدمات (تجاری و حمل و نقل)		
۰	۶	خدمات (اداری، آموزشی، دفترداری)		
۱	۷	مشاغل متفرقه		
۲	۸	بی‌کار		
۲	۱	کمتر از ۳۰۰۰۰ تومان		میزان درآمد ماهیانه
۱	۲	۳۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ تومان		
۰/۵	۳	۱۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ تومان		
۰	۴	بیشتر از ۲۰۰۰۰۰ تومان		
۲	۱	کم	تطابق درآمد با نیازها	
۱	۲	متوسط		
۰	۳	زیاد		
۲	۱	کم	فراهم بودن شرایط برای دستیابی به اهداف زندگی	
۱	۲	متوسط		
۰	۳	زیاد		

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان ۱۲۸

ادامه جدول شماره ۱۰. کدگذاری و امتیازدهی به سؤالات مربوط به متغیر ناکامی اجتماعی

امتیاز بیشتر = ناکامی بیشتر

متغیر	مقوله‌ها	کد	امتیاز
میزان موفقیت در تحصیل	کم	۱	۲
	متوسط	۲	۱
	زیاد	۳	۰
مهمترین اهداف زندگی	زندگی ایده‌آل و راحت	۱	۱
	داشتن فعالیت اجتماعی	۲	۰
	دستیابی به شغل موردنظر	۳	۱/۵
	پیشرفت در آینده	۴	۰/۵
موانع رسیدن به هدف	نداشتن هدف	۵	۲
	شغل نامناسب و درآمد کم	۱	۱/۵
	دوستان و آشنایان ناباب	۲	۱
	نداشتن همسر خوب	۳	۰/۵
	عدم برخورداری از تحصیلات	۴	۰/۷۵
	داشتن خانواده ناسالم	۵	۲
	سایر موارد	۶	۰/۲۵
	بدون مانع	۷	-

جدول شماره ۱۱. مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی مشاهده شده با حد وسط طیف

تعریف شده (مقدار ۹/۵) در بین سه گروه مجرمان با شدت اعمال مجرمانه متفاوت

نوع جرم	میانگین	تفاوت با حد وسط طیف	درجه آزادی	مقدار t	Sig (2-Tailed)
سبک	۹/۸۱	+۳۱	۱۵۰	۱/۵۷	۰/۱۱۹
متوسط	۹/۹۷	+۴۷	۱۱۳	۲/۲۴	۰/۰۲۷
سنگین	۱۱/۱۱	+۱۹۸	۷۸	۷/۲۱	۰/۰۰۰

ج- تعلق قومی، ناکامی اجتماعی و نوع جرم

نتایج اولیه نشان داد که افراد متعلق به اقوام زابلی و بلوچ در مقایسه با سایر قومیت‌ها بیشتر دست به اعمال مجرمانه‌ی سنگین می‌زنند. همچنین اعمال مجرمانه سنگین در بین افرادی که ناکامی اجتماعی آنان به طور قابل توجهی بیشتر از حد متوسط است بیشتر مشاهده می‌شود. نتایج مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی در هریک از اقوام مورد مطالعه (جدول شماره‌ی ۱۲) نشان می‌دهد که:

- میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد متعلق به قوم ترکمن به طور معناداری کمتر از حد متوسط است و در همین گروه نزدیک به نیمی از جرایم از نوع سبک بوده است.

جدول شماره‌ی ۱۲. مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی مشاهده شده با حد وسط طیف تعریف شده در بین اقوام مختلف و درصد جرایم با شدت مختلف در بین اقوام

قومیت	میانگین ناکامی اجتماعی	تفاوت با حد وسط طیف	درجه آزادی	مقدار t	Sig (2-Tailed)	درصد جرایم		
						متوسط	سبک	سنگین
ترکمن	۸/۷۰	-/۸۰	۴۰	-۲/۴۸	۰/۰۱۸	۴۶/۳	۳۴/۱	۱۹/۵
ترک	۹/۸۸	+/۳۸	۳۲	۰/۲۳۲	۶۰/۶	۲۷/۳	۲۷/۳	۱۲/۱
فارس	۹/۹۱	+/۴۱	۸۰	+۱/۵۲	۰/۱۳۲	۵۴/۳	۲۵/۹	۱۹/۸
شاهرودی	۹/۰۸	-/۴۲	۱۲	-/۵۶	۰/۵۸۴	۵۳/۸	۳۸/۵	۷/۷
بلوچ	۱۱/۲۹	+۱/۷۹	۴۳	+۵/۶۸	۰/۰۰۰	۲۰/۵	۴۳/۲	۳۶/۴
زابلی	۱۱/۰۴	+۱/۵۴	۷۴	+۶/۹۰	۰/۰۰۰	۳۴/۷	۳۸/۷	۲۶/۷
گیلک	۹/۹۵	+/۴۵	۴۱	+۱/۱۷	۰/۲۵۰	۴۵/۲	۳۵/۷	۱۹/۱

- میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد متعلق به اقوام یا گویش‌های ترک، فارس، شاهرودی و گلیک در حد متوسط بوده و با حد وسط طیف فاقد تفاوت معنادار است و ناکامی اجتماعی در این گروه‌ها براساس طیف تعریف شده در حد

متوسط برآورد می‌شود. در این راه‌ها درصد جرایم سنگین نسبت به جرایم متوسط و سبک کمتر است.

• میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد متعلق به اقوام بلوچ و زابلی به طور معناداری بیشتر از حد متوسط است. در بین قوم بلوچ که دارای بیشترین ناکامی اجتماعی می‌باشند، بیشترین درصد جرایم سنگین نیز مشاهده می‌شود. تنها در این قوم است که درصد جرایم سنگین نسبت به جرایم سبک بیشتر است. مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی به تفکیک دو متغییر تعلق قومی و شدت جرم (جدول شماره‌ی ۱۳) نیز نتایج قابل توجهی را نشان می‌دهد.

• به استثنای قوم شاهرودی، در کلیه‌ی اقوام مورد مطالعه، بیشترین ناکامی اجتماعی در بین افرادی مشاهده می‌شود که شدت عمل مجرمانه‌ی آنان در گروه «سنگین» طبقه‌بندی شده است.

• به استثنای قوم شاهرودی، میانگین ناکامی اجتماعی در بین اقوام مختلف برای افرادی که جرم آنان سنگین بوده است به طور معناداری بیشتر از حد وسط طیف تعریف شده است. (محاسبات ارائه نشده است).

• در بین افراد متعلق به قوم شاهرودی، با توجه به این که جرم تنها یک نفر سنگین بوده است، استثنای مشاهده شده می‌تواند به این موضوع مربوط شود.

• مقایسه‌ی بین میانگین ناکامی اجتماعی در بین افراد با جرایم سنگین و متوسط جهت خاصی را نشان نمی‌دهد. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که متغییر ناکامی اجتماعی در شرایطی که از حد مشخصی بالاتر رود می‌تواند احتمال انجام اعمال مجرمانه سنگین را افزایش دهد ولی در جرایم با شدت کمتر، این تأثیرگذاری مبهم و نامشخص است.

جدول شماره‌ی ۱۳. مقایسه‌ی میانگین ناکامی اجتماعی به تفکیک دو متغیر تعلق قومی و شدت جرم

قوم	نوع جرم	میانگین ناکامی	تعداد	قوم	نوع جرم	میانگین ناکامی	تعداد
ترکمن	سبک	۷/۹۶	۱۹	بلوچ	سبک	۱۱/۲۲	۹
	متوسط	۸/۸۰	۱۴		متوسط	۱۱/۱۰	۱۹
	سنگین	۱۰/۲۸	۸		سنگین	۱۱/۵۴	۱۶

ادامه‌ی جدول شماره‌ی ۱۳. مقایسه میانگین ناکامی اجتماعی به تفکیک دو متغیر

تعلق قومی و شدت جرم

قوم	نوع جرم	میانگین ناکامی	تعداد	قوم	نوع جرم	میانگین ناکامی	تعداد
ترک	سبک	۹/۸۷	۲۰	زابلی	سبک	۱۱/۳۰	۲۶
	متوسط	۹/۵۸	۹		متوسط	۱۰/۴۴	۲۹
	سنگین	۱۰/۵۶	۴		سنگین	۱۱/۵۵	۲۰
فارس	سبک	۹/۱۶	۴۴	گیلک	سبک	۱۰/۱۶	۱۸
	متوسط	۱۰/۵۱	۲۱		متوسط	۸/۸۸	۱۵
	سنگین	۱۱/۱۷	۱۶		سنگین	۱۱/۴۴	۹۹
شاهرودی	سبک	۱۰/۱۴	۷	کلیه‌ی اقوام و گویش‌های	سبک	۹/۸۱	۱۵۱
	متوسط	۷/۷۰	۵		متوسط	۱۱۳	۱۱۴
	سنگین	۸/۵۰	۱		سنگین	۷۲	۷۳

بحث و نتیجه‌گیری

پیرامون پدیده‌ی جرم به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، سؤالات متعددی می‌توان طرح کرد. از جمله این که عواملی که منجر به وقوع اعمال مجرمانه می‌شوند کدامند و در یک مدل علی، کدام علت‌ها را می‌توان تبیین‌کننده‌های بهتری برای این نوع از اعمال دانست؟ چه عواملی افراد را به سمت ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای سوق می‌دهد

که به لحاظ حقوقی و حکم صادره برای مرتکبان آن‌ها در گروه جرم‌های سنگین (نظیر قتل یا مشارکت در آن، آدم‌ربایی، راهزنی قاچاق مواد مخدر و خرید و فروش آنها) طبقه‌بندی می‌شوند؟ آیا بین شدت اعمال مجرمانه با ناکامی اجتماعی و فشارهای ناشی از آن رابطه‌ای وجود دارد و آیا می‌توان قضاوت کرد که هرچه افراد در دستیابی به اهداف با ارزش اجتماعی ناکامی بمانند احتمال بیشتری دارد که دست به اعمال مجرمانه سنگین بزنند؟

در یک فضای چند متغیره‌ی پیچیده نظیر فضای زندگی اجتماعی (با تعداد متغیر بسیار زیاد یا حتی نامحدود) پاسخ مستند تجربی به چنین سؤالاتی هر چند امکان‌پذیر است اما پاسخ‌ها همواره باید با احتیاط نگریسته شوند. از طرف دیگر انجام مطالعات عمدتاً کمی در این رابطه به منظور پاسخگویی به سؤالات و آزمون فرضیه‌های تحقیق بیشتر از آنکه احتمالاً به تأیید فرضیه‌ای منجر شوند به وجود شاهد یا شواهدی دال بر عدم رد فرضیه منجر خواهند شد. در هر حال، در این متن، نویسندگان با توجه به نکات مذکور، به دلیل اهمیتی که متغیر ناکامی اجتماعی در توضیح نوع اعمال مجرمانه به وقوع پیوسته در بین گروه‌های قومی استان گلستان داشته است (در کنار متغیرهایی نظیر دین‌داری، بومی یا مهاجر بودن، پیشینه‌ی آموزشی و شهری یا روستایی بودن) توجه اصلی خود را به آن معطوف کرده‌اند.

از سویی، ناکامی اجتماعی در دستیابی به اهداف با ارزش اجتماعی و ضعف نظارت درونی و بیرونی، هرچه بیشتر شرایط را برای اعمال مجرمانه مهیا می‌کند و از سوی دیگر شدت ناکامی اجتماعی هنگامی که از حد مشخصی فراتر رود به نحوی که تعادل رفتاری فرد را مختل کند، می‌تواند منجر به انجام اعمال مجرمانه‌ای شود که به لحاظ فراوانی در حداقل هستند، اما به لحاظ پیامدهای منفی برای افراد و برای نظام اجتماعی، نگران‌کننده تلقی می‌شوند.

عمومیت ناکامی اجتماعی در یک قوم به ویژه در اقوام مهاجر، می‌تواند منجر به هنجار شدن رفتارهایی شود که فرهنگ عمومی منطقه‌ی مهاجرپذیر. آن‌ها را به عنوان رفتارهای نابهنجار ارزیابی می‌کند. به عبارت دیگر ناکامی اجتماعی می‌تواند به تدریج به شکل‌گیری خرده فرهنگی بیانجامد که در مقایسه با فرهنگ عمومی، در مراحل اول یک خرده فرهنگ نابهنجار و در مراحل بعد به عنوان یک خرده فرهنگ بزهکار شناخته

شد. از بین رفتن قبح و زشتی بزهکاری یا اعمال غیرقانونی در جهت دستیابی به منابع با ارزشی که می‌توان از آن‌ها در مبادلات اجتماعی بهره گرفتن و هنجار شدن استفاده از فرصت‌های غیرقانونی از وضعیت‌هایی است که به نحوی می‌توان آن را به عنوان ناتوانی و ناکارآمدی نظام اجتماعی مورد قضاوت قرار داد. وجود چنین وضعیتی بیان‌کننده‌ی ضعف نظارت‌های اجتماعی و ضعف در فراهم‌سازی فرصت‌های قانونی برای دستیابی به منابع و اهداف ارزشمند اجتماعی و ادامه یافتن آن در طول زمان است.

نتایج تحقیق حاضر به نحوی است که به ویژه می‌توان این فرضیه را که «بالتر رفتن سطح ناکارآمدی اجتماعی از یک مرز خاص احتمال انجام اعمال مجرمانه سنگین را افزایش می‌دهد» به طور موقت تأیید کرد. براساس تعاریف انجام شده، اقوام زابلی و بلوچ از طرفی دارای سطح ناکامی اجتماعی بوده‌اند و از سوی دیگر انجام دادن اعمال مجرمانه‌ی سنگین به طور قابل توجهی در این اقوام در مقایسه با سایر اقوام بیشتر بوده‌است. فقدان جهت خاص در بین جرایم سبک و متوسط در ارتباط با ناکامی اجتماعی نیز به نحوی تقویت‌کننده‌ی فرضیه‌ی مذکور است.

در هر حال مقاله با برخی محدودیت‌ها رو به رو بوده است که رفع آن‌ها از عهده‌ی محققین تا حد زیادی خارج بوده است. فقدان آمار و اطلاعات از توزیع جمعیت استان گلستان برحسب تعلق قومی از یک سو و همچنین عدم دسترسی به آمار و اطلاعات دقیق زندانیان و به ویژه توزیع آنان به تفکیک قومیت امکان محاسبه برخی شاخص‌های نسبی و قضاوت کردن دقیق ترکیبی را از بین برده است. با اینحال داده‌های موجود و در دسترس که تنها با پی‌گیری‌های فراوان و صرف وقت بسیار زیاد حاصل آمده است و انجام تحلیل مبتنی بر آن‌ها به نظر قابل تأمل هستند.

براساس مباحث نظری ارائه شده و با توجه بر نتایج تجربی این مطالعه، افزایش فرصت‌های قانونی برای دستیابی به منابع با ارزش برای مبادله‌های اجتماعی نظیر ثروت، دانش و معرفت و قدرت به عنوان رویکردی اساسی در کاهش و کنترل انواع جرایم سبک، متوسط و سنگین در جامعه مورد مطالعه، لازم است مورد توجه شورای اداری و برنامه‌ریزی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در استان گلستان قرار گیرد و

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان ۱۳۴

در عین حال حداقل کاهش برخی ناکامی‌های اجتماعی و افزایش فرصت‌های قانونی در بین اقوام بلوچ و زابلی و توجه ویژه به آن‌ها می‌تواند بر کاهش میزان جرایم سنگین در استان به طور قابل توجهی تأثیرگذار باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱- امان الله صفوی، تئوری‌های انحراف (قسمت اول) رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۶۹ و بهار ۷۰، ص ۲۲-۲۷.

2- Tom O' connot

3- Strain theory

4- Learning theory

5- Control theory

6- O' cnnor, Tom. (2003). Crime Theories. <http://faculty.newc.edu/toconnor/lec03.htm>.

7- Ibid

8- Peace, Mark. (2002). An Outline of Strain Theory. www.criminologystuff.com.

9- Malice

10- Non-utillitarianism

11- Negativism

12- O'cnnor, Tom. (2004). Strain Theories of Crime. <http://faculty.newc.edu/toconnor/lec09.htm>.

۱۳- امان الله صفوی

14- O' cnnor tom, 2004

۱۵- امان الله صفوی

16- Ri charl cloward

17- L. ohin

۱۸- امان الله صفوی

19- Cloward. R., & Ohlin, L. (1996). Delinquency and Opportunity. New York: Free Press.

20- Ibid, P. 96.

21- O' cnnor tom, 2004, P. 8

22- Robert Agnew

23- Agnew, Robert

24- Agnew, Robert, 1992, P. 52.

25- Agnew, Robert, 1994, P. 425-426.

26- Agnew, Robert, 1997, P. 9.

اثر ناکامی اجتماعی بر نوع جرایم در میان گروه‌های قومی استان گلستان ۱۳۶

۲۷- هر یک از بندها، نمونه‌ها به صورت اتفاقی و بر اساس مواردی بوده است که مسئولین زندان برای مصاحبه در اختیار گروه پژوهش قرار داده‌اند. بنابراین در هر بند نمونه‌های مورد مطالعه به شیوه‌ی اتفاقی گزینش شده‌اند که می‌توان آن را یکی از محدودیت‌های آماری در این مطالعه دانست.

۲۸- برخی از موارد ذکر شده نظیر ضمانت چک یا فرار از خانه لزوماً جرم محسوب نمی‌شوند. منظور از حکم سبک حبس کمتر از یکسال و جریمه‌ی نقدی کمتر از یک میلیون تومان است. منظور از حکم متوسط حبس بین یک تا پنج سال و جریمه‌ی نقدی بین یک تا ده میلیون تومان است. منظور از حکم سنگین حبس بیشتر از ۵ سال و جریمه‌ی نقدی بیشتر از ده میلیون تومان است.

۲۹- دو نفر از پاسخگویانی که نوع جرم خود را مشخص نکرده‌اند از تحلیل حذف شده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ۱- صفوی، امان‌الله: *تئوری‌های انحراف (قسمت اول)*، رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۶۹ و بهار ۷۰، ۱۳۷۰.
- ۲- صفوی، امان‌الله: *تئوری‌های انحراف (قسمت دوم)*، رشد آموزش علوم اجتماعی، تابستان ۷۰، ۱۳۷۰.
- ۳- صفوی، امان‌الله: *تئوری‌های انحراف (قسمت سوم)*، رشد آموزش علوم اجتماعی، پاییز ۷۰، ۱۳۷۰.
- 4- Agnew, Robert, *Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency*, Criminology, 1992.
- 5- Agnew, Robert, *Delinquency and Desire for Money Quarterly*, 1994.
- 6- Agnew, Robert, *General Strain Theory*, [www.criminology.fsu.edu\Criminology\annex.htm](http://www.criminology.fsu.edu/Criminology/annex.htm), 1997
- 7- Cloward. R., & Ohlin, L. *Delinquency and Opportunity*, New York: Free Press, 1996.
- 8- Collins, Karen M. *Anomic and Strain Theory*, www.iejs.com/criminology/anomie_Strain_Theory.htm, 2000.
- 9- O'connor, Tom. *Crime Theories*. <http://faculty.newc.edu/toconnor/lec03.htm>. 2003.
- 10- O'connor, Tom. *Strain Theories of Crime*, <http://faculty.newc.edu/toconnor/lec09.htm>. 2004.
- 11- Peace, Mark. *An Outline of Strain Theory*, www.criminologystuff.com. 2002.